

بیج سفرنامہ

ژاپنی مہمی دیدارکنندہ از ایران

دہہ ۱۹۲۰ میلادی - ۱۳۰۰ خورشیدی

نونی دانی شیرو (۱۳۰۲)

اوجی یاما ایواتارو (۱۳۰۵-۱۳۰۶)

کوزونی تاکاتومی (۱۳۰۷)

کاساما اگی نو (۱۳۰۸)

یادنامہ تایرا تائزہ برای نازوسہ شونشوکہ (۱۳۰۸)

ترجمہ

دکتر ہاشم رجب زادہ
کینجی نہ اورا

FIVE TRAVELOGUES OF EARLY 20th CENTURY

Travel Accounts of Japanese Emissaries

Visiting Iran in 1920's:

Nuida Eishiro (1923-24),

Uchiyama Iwataro (1926-27),

Kuroita Katsumi (1928), Kasama Akio (1929),

An Essay in Honor of Naruse Shunsuke by Taira Taizo (1929)

Translated by

Kinji Eura

Hashem Rajabzadeh



انشارات طه‌وری

۱۴۰۰۰۰
ریال



نامه‌ی ایران

(دفتر ششم)

پنج سفر نامه

ژاپنی‌های دیدار کننده از

ایران

در دهه ۱۹۲۰ میلادی - ۱۳۰۰ خورشیدی

نونی دا ئی شیرو (۱۳۰۲)،

اوجی یاما ایواتارو (۱۳۰۵-۱۳۰۶)،

کوزوئی تا کاتسومی (۱۳۰۷)،

کاساما آکیئو (۱۳۰۸)،

یادنامه تایرا تایزو برای ناروسه شونسوکه (۱۳۰۸)

ترجمه

هاشم رجب‌زاده کینجی نه اُورا



اشارات طوری

عنوان و نام پدیدآور	: پنج سفرنامه: ژاپنی‌های دیدارکننده از ایران در دهه ۱۹۲۰ میلادی... نوئی‌دا ئی‌شیرو...
مشخصات نشر	: تهران: طهوری، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۰ ص.
فروست	: نامه ایران؛ دفتر ششم.
شابک	: 978-600-5911-33-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
یادداشت	: [مؤلفان] نوئی‌دا ئی‌شیرو، اوچی‌یاما ایواتارو، کوروئی‌تا کاتسومی، تایرا تی‌زوء، کاساما آکی‌ئو..
یادداشت	: این کتاب از منابع مختلف ترجمه و گردآوری شده است.
یادداشت	: عنوان دیگر: پنج سفرنامه ژاپنی‌های آمده به ایران...
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: پنج سفرنامه ژاپنی‌های آمده به ایران...
موضوع	: سفرنامه‌های ژاپنی — قرن ۲۰ م.
موضوع	: ایران — سیر و سیاحت — قرن ۱۴.
شناسه افزوده	: نوئیتا، ایشیرو.
شناسه افزوده	: Nuita, Eishirō.
شناسه افزوده	: رجب‌زاده، هاشم، ۱۳۲۰-، مترجم.
شناسه افزوده	: انورا، کینجی، مترجم.
شناسه افزوده	: Eura, Kinji.
رده‌بندی کنگره	: DSR ۱۴۸۱/پ۹ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیوبی	: ۹۵۵/۰۸۴۴۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۵۶۹۹

این اثر ترجمه‌ای است از پنج کتاب و مقاله زیر (به زبان ژاپنی):

- Nuida Eishiro; Perushia Mesopotamia hōmen Shisutsu-dan, Tokyo, Kei-mei Kāi Jimoshu, 1924.
 Uchiyama Iwatarō; Tehran-no-Omoide, Tokyo, 1969
 Kuroita Katsumi; Perushia Ryokō-dan, Tokyo, Kei-mei Kāi Jimoshu, 1928.
 Taira Teizō; Iran ni Nemuru Naruse Shunsukē-kun. In: Bungei Shunju Journal, Tokyo, October 1941.
 Kasama Akio; Sābāko-no-Kuni: Perushia, Arabia, Toruko, Iwānāmi-shoten, Tokyo, 1935.



بشارت طهوری

شماره ۱۳۰۴، خیابان انقلاب، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵

تلفن ۶۶۴۰۶۳۳۰ - ۶۶۴۸۰۰۱۸

پنج سفرنامه ژاپنی‌های آمده به ایران

(در دهه ۱۹۳۰-۱۹۲۱ م. ۱۳۰۹-۱۳۰۰ خورشیدی)

نوئی‌دا ئی‌شیرو (۱۹۲۳-۲۴)، اوچی‌یاما ایواتارو (۱۹۲۶-۲۷).

کوروئی‌تا کاتسومی (۱۹۲۸)، تایرا تی‌زوء (۱۹۲۹)، و کاساما آکی‌ئو (۱۹۲۹)

ترجمه: دکتر هاشم رجب‌زاده و کینجی نه‌اؤرا

چاپ اول: ۱۳۹۴ - تیراژ: ۵۰۰ نسخه

امور فنی و ناظر چاپ: بهروز مستان

صفحه‌آرایی: علم روز

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۱۱-۳۳-۶ ISBN 978-600-5911-33-6

حق هرگونه چاپ و انتشار برای انتشارات طهوری محفوظ است

۱۴۰،۰۰۰ ریال

فهرست سفرنامه‌ها

- مقدمه ترجمه فارسی ۵
سفرنامه اول:
- ۱- دیدار ایران و بین‌النهرین نُئی دای شِیرو (۱۹۲۴-۱۹۲۳ م.) ۱۱
سفرنامه دوم:
- ۲- یاد تهران اُچی‌یاما ایواتارو (۱۹۲۷-۱۹۲۶ م.) ۷۵
سفرنامه سوم:
- ۳- سفرنامه ایران کُرونی‌تا کاتسومی (۱۹۲۸ م.) ۱۱۳
سفرنامه چهارم:
- ۴- آرمیده در خاک ایران (یادنامه نازوسه شونسوکه) تایراتی‌زوء (۱۹۲۹) ۱۴۱
سفرنامه پنجم:
- ۵- دیدارم با رضاشاه کاساما آکی‌نو (۱۹۲۹) ۱۵۹

مقدمه ترجمه فارسی

ژاپن که در پی نهضت تجدّد (۱۸۶۸ م.) به تلاشی همه سویه و پُردامنه برای ساختن خود از درون برآمد، ناگزیر دید که در صحنه جهانی نیز حاضر و پویا باشد. این همه با هدف اعتلای مملکت و همسری یافتن با قدرتهای غربی و، سرانجام، برتری یافتن بر آنها بود؛ هدفی که بزرگمردان با عزم آن روزگار پیش پای ملت نهاده و همه توش و توان کشور را برای رسیدن به آن بسیج کرده بودند. چنین بود که کمی بیش از یک دهه نگذشت که نخستین هیأت سفارت را به دربار قاجار فرستادند (سال ۱۸۸۰ م.) و پس از آن نیز کسانی در جای مأمور رسمی و سیاح و محقق به ایران آمدند. اما ژاپن نخستین سفارت خود در غرب آسیا را در استانبول، پایتخت عثمانی، گشود، و تا بعد از جنگ جهانی اول در ایران نمایندگی دیپلماتیک نداشت.

پس از سفر چندماهه هیأتی به ریاست نُوئی‌دا که برای بررسی موضوع گشایش دفتر نمایندگی ژاپن و بستن پیمان بازرگانی روانه ایران شد، در مهرماه ۱۳۰۵ (اکتبر ۱۹۲۶) اُوچی‌یاما ایواتارو مأمور وزارت خارجه ژاپن به تهران آمد؛ و با این که دفتر سفارت دائر کرد و یک سال در اینجا ماند و مباشر کارهای رسمی ژاپن و معاشر دیپلماتهای خارجی در تهران بود، سِمَت دیپلماتیک در ایران نداشت و به عنوان دبیر سفارت ژاپن در استامبول فعالیت

می‌کرد. او دفتری از خاطره‌های اقامت خود در تهران منتشر کرد. پس از اُچی یاما، ناری‌ئه گونسه (گونسه به معنی سپاهی یا لشکری: سرکار ناری‌ئه) مأمور ایران شد؛ و پس از چندی، در سال ۱۳۰۸ خورشیدی (۱۹۲۹ م.) نارُوسه شُونسکه از وزارت خارجه ژاپن به ایران آمد تا کارهای تأسیس دفتر نمایندگی ژاپن را در تهران آماده کند. نارُوسه در تهران سخت بیمار شد. از ژاپن دکتر ایشی میتسو همراه آساگورا مأمور وزارت خارجه روانه ایران شد. آنها در مسکو به کاساما آکی‌ئو که از راه اروپا به مأموریت وزیرمختاری عازم تهران بود پیوستند. چند روز پس از رسیدن کاساما به تهران، نارُوسه درگذشت.

کتاب حاضر که گزارش پارسی پنج سفرنامه و خاطرات ایران را در بر دارد، شرح زندگی و کار چهار تن از این فرستادگان ژاپنی در ایران و نیز یادنامه یکی از آنها (نارُوسه شُونسکه) در دهه ۱۹۳۰-۱۹۲۱ م. (۱۳۰۹-۱۳۰۰ خورشیدی) است.



از بیست و پنج سال پیش، یادداشت‌ها و روزنامه‌های مسافران ژاپنی که در بیش از یکصد و سی سال گذشته به ایران آمده‌اند بتدریج به فارسی برگردانده و برای نشر آماده شده، که از این میان دفترهای زیر تا کنون در دسترس خوانندگان نهاده شده است:

۱۳۷۳ و ۱۳۹۰: سفرنامه یوشیدا ماساهارو، نخستین فرستاده ژاپن به ایران در دوره قاجار (سالهای ۸۸-۱۲۸۷ ه.ق. / ۱۸۸۰-۱۸۸۱ م.)، ترجمه و تحقیق هاشم رجب‌زاده با همکاری ی. نی‌ئی یا و کینجی ئه‌اُورا، به‌نشر؛ و ویرایش جدید آن، همان ناشر.

۱۳۷۴: یاد تهران؛ سفرنامه و خاطرات اُچی‌یاما ایواتارو؛ نخستین فرستاده ژاپن به ایران (مهر ۱۳۰۵ - مهر ۱۳۰۶)، ترجمه هاشم رجب‌زاده، در: ماهنامه کلک، ویژه‌نامه ژاپن، شماره ۶۵ (مرداد ۱۳۷۴)، ص. ۳۴۲-۳۰۵

۱۳۸۳: *سفرنامه و خاطرات آکیئو کازاما*، نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران (۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ خورشیدی)، ترجمه هاشم رجبزاده، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.

۱۳۸۳: *ایران و من: خاطره‌ها و یادداشتهای نه‌ایجی اینووه*، تحقیق و ترجمه هاشم رجبزاده، دفتر پژوهشهای فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، تهران، ۱۳۸۳.

۱۳۸۳: *سفرنامه، خاطرات ایران، و یادنامه آشی کاگا آتسؤاوجی* (با مقدمه‌ای در باره زندگی و آثار او)، تحقیق و ترجمه هاشم رجبزاده، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.

۱۳۸۴: *سفرنامه ایران فوروکاوا نوئویوشی* (عضو هیأت نخستین سفارت ژاپن به ایران در دوره قاجار، ۱۸۸۱-۱۸۸۰م). ترجمه هاشم رجبزاده و کینجی نه‌اؤرا، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.

۱۳۹۰: *اینووه، ماساجی؛ مسافر ژاپنی در ماوراءالنهر، ایران، و قفقاز* (۱۳۲۰ه.ق. / ۱۹۰۲م)، ترجمه هاشم رجبزاده با همکاری کینجی نه‌اؤرا، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۹۰.

۱۳۹۲: *فوکوشیما، یاسوماسا؛ سفرنامه ایران و قفقاز و ترکستان* (تابستان و پائیز ۱۸۹۶م)، ترجمه هاشم رجبزاده و کینجی نه‌اؤرا، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.

۱۳۹۲: *یه‌ناگا تویوکیچی؛ سفرنامه یه‌ناگا تویوکیچی در ایران و آناتولی* (۱۳۱۷ه.ق. / ۱۸۹۹م): ژاپن و تجارت تریاک در پایان قرن نوزده، به‌پیوست گزارش رسمی یه‌ناگا درباره تریاک ایران، و گزارش سفر و مأموریت کوبوتا شیروء در ایران، ترجمه هاشم رجبزاده و کینجی نه‌اؤرا، انتشارات طهوری، تهران.

۱۳۹۳: *اوءبا کاگه‌آکی (کاکوء)؛ سفرنامه ایران و ورارود* (۱۳۲۸ه.ق. / ۱۹۱۰م): بخشی از کتاب چهل هزار فرسنگ از شمال به جنوب جهان، ترجمه هاشم رجبزاده و کینجی نه‌اؤرا، انتشارات طهوری، تهران.

— ۱۳۹۴: سفرنامه ناکامورا ناوکیچی: مسافر فقیر ژاپنی در ایران (۱۳۲۰ ه.ق.).
 ۱۹۱۰ م.)، انتشارات طهوری، تهران.

— ۱۳۹۴: سفرنامه سوزوکی شین جو: پیاده گردی راهب بودائی ژاپنی در
 شمال و شرق ایران (۱۹۰۶-۱۹۰۵ م.)، انتشارات طهوری، تهران.



از دشواری‌های کار این ترجمه و نیز دیگر سفرنامه‌های ژاپنی نوشته شده در حدود یک سده پیش، یافتن تلفظ درست نامهای کسان و جایها است، که در متن ژاپنی با نشانه نگارشی خط مفهوم‌نگار چینی - ژاپنی (کانجی) یا الفبای هجایی ژاپنی (کاتاکانا) نموده شده، و در هر دو حال به صورتی متفاوت از اصل آن آوانگاری و ضبط شده است. در این ترجمه، مقابل نامها - بخصوص اسامی جاهایی که در منابع دسترس یافته نشده و به درستی آن اطمینان نبوده - علامت ابهام میان دو ابرو (?) افزوده شده، و جاهایی که مطلبی تکراری، غیرمهم، یا نادرست و حاکی از ناآگاهی نویسنده سفرنامه در ترجمه فارسی آورده نشده با نقطه چین نموده شده است.

در شماری از این سفرنامه، مقیاس‌ها و واحدهای سنجش طول و مساحت و ظرفیت و وزن به مقیاس ژاپنی آمده، و نیز بهای چیزها با معادل آن به واحد پول ژاپن نوشته یا سنجیده شده است؛ که در ترجمه فارسی در هر مورد معادل تقریبی آن به مقیاس مرسوم در ایران آورده شد. خوانندگانی که بخواهند مقدار دقیق این مقیاس‌ها را بیابند، می‌توانند به جدول برابری آنها در مقدمه ترجمه سفرنامه اوه‌با کاگه‌آکی بنگرند.

به روش معمول در سالهای تألیف این سفرنامه‌ها، نویسنده هر فصل را از آغاز تا پایان بی هیچ نشانه‌گذاری یا تفکیک مطالب و موضوع‌ها روی کاغذ آورده، و این نوشته فقط به پاراگراف یا «بند»ها جدا شده است. جز افزودن نشانه‌های نگارشی امروزی، برای چند مطلب و مبحث جداگانه هم

عنوان فرعی آورده شد. توضیح‌های آمده میان دو ابرو در داخل متن، بیش‌تر حاشیه‌نگاری نویسنده سفرنامه است، و عبارت‌های آورده شده میان دو قلاب یا کروشه [] در ترجمه فارسی افزوده شد. شرح و توضیح‌های پای صفحه‌ها هم در ترجمه فارسی افزوده شده است.

به‌شیوه مرسوم در ژاپن در آوردن نام افراد، نخست نام خانواده و سپس نام کوچک آنها آمده است.



یافتن متن اصلی این سفرنامه‌ها را که بیش از یکصد سال پیش در شماره‌های متفرق روزنامه‌های ژاپنی چاپ شده است مدیون مهر و یاری دوست ایران‌شناس ارجمندم آقای یوشی‌فوسا سیه‌کی مدرّس دانشگاه توه‌کای هستم که با صرف وقت فراوان در کتابخانه‌های دانشگاهی یافته و از آن تصویر تهیه کرده‌اند. شماری از این منابع هم با پی‌گیری دوست پژوهنده و همکار دانشمندم آقای کینجی ته‌اُورا محقّق و مدرّس تاریخ و منابع تاریخی ایران عصر قاجار آماده شده است و در ترجمه پارسی این مجموعه هم از یاری پُرثمر و عالمانه‌شان بهره‌مند بوده‌ام.



چاپ این مجموعه سفرنامه و خاطرات ایران ژاپنیان هم، مانند بیش‌تر سفرنامه‌های منتشر شده تاکنون که فهرست آنها یاد شد، با همّت و عنایت آقای احمدرضا طه‌وری مدیر دانش‌دوست و فرهیخته انتشارات طه‌وری میسر شد که مانند همیشه با نظم و سرعت و احاطه کارشناسانه در همه مراحل تنظیم و انتشار آن نظارت و دقّت نظر داشتند و با نشر پاکیزه و پیراشته این کتاب مترجمان را سپاسگزار خود ساختند. امید دارد که توفیق نشر دفترهای دیگر یادداشتهای سفر و خاطرات ایران ژاپنی‌ها در همین سلسله یافته شود.

هاشم رجب‌زاده

آذرماه ۱۳۹۳، اوساکا

سفرنامهٔ اول

دیدار ایران و بین‌النهرین

نوئی‌دا ئی شیرو

فهرست سفرنامه نُوئی‌دا

پیش‌سخن ترجمه فارسی

شرح سفر نُوئی‌دا

- ۱- پیشینه روابط با ایران
- ۲- هدف ما از سفر به ایران
- ۳- از ژاپن به بین‌النهرین
- ۴- آبادان و تأسیسات نفتی آن
- ۵- بصره و بغداد
- ۶- بین‌النهرین زیر قیمومت انگلیس
- ۷- از بین‌النهرین به سوی ایران
- ۸- سفر دشوار و پُردردِ سر با ماشین در ایران
- ۹- رسیدن به تهران، پایتخت ایران
- ۱۰- حکومت و مملکت‌داری در ایران
- ۱۱- ژاپن‌دوستی ایرانیان
- ۱۲- یک ایرانی شیفته ژاپن
- ۱۳- کتاب جنگ ژاپن
- ۱۴- پذیرایی و مهمان‌نوازی فراتر از آداب مرسوم

- ۱۵- از خانه مرد شیفته ژاپن به موضوع عقد پیمان میان ژاپن و ایران
- ۱۶- دشواری موجود در راه عقد پیمان میان ژاپن و ایران
- ۱۷- ادامه دشواری در راه عقد پیمان
- ۱۸- احوال سیاسی و اقتصادی ایران
- ۱۹- تب جمهوری خواهی در ایران
- ۲۰- احساسات دوستانه حکومت کنونی ایران نسبت به ژاپن
- ۲۱- تجارت میان ایران و ژاپن
- ۲۲- رونق کالای آلمان در بازار ایران
- ۲۳- گمرک کالای وارد شده به ایران
- ۲۴- بازگشتن از ایران؛ گیلان و انزلی
- ۲۵- حرام و حریم در ایران
- ۲۶- راه آهن در عراق، و عرصه پیشرفت تجارت ژاپن

پیش‌سخن ترجمه فارسی

نوئی‌دا ئی‌شیرو، مأمور وزارت خارجه ژاپن، در سال ۱۹۲۳ همراه گروهی (بر رویهم شش نفر) برای بررسی مصلحت ایجاد دفتر نمایندگی و نیز انعقاد عهدنامه بازرگانی که گفت‌وگوی آن از سالها پیش میان نمایندگان سیاسی ایران و ژاپن در بعضی پایتخت‌های اروپایی در میان بود، به ایران آمد. سفر رفت و بازگشت او و همراهانش نه ماه و نیم کشید؛ و پس از برگشتن به ژاپن - جز سخنرانیها در چند مجمع علمی و تحقیقی - گزارشی از جریان سفر و دیده‌ها و یافته‌هایش در بیست بخش زیر عنوان *پروشیا/اویوبی/ایراگو/جیجوه* (اوضاع ایران و عراق) در ۵ شماره (سالهای ۲۵-۱۹۲۴) چیری کیو/یگو (مجله آموزش جغرافیا) نوشت.

روشن‌ترین شرح در باره جریان مأموریت هیأت نوئی‌دا را یانو جین - ایچی (Yano Jin-ichi) در کتابش *ناکا - آجیا نو فوئون* (Naka-Ajiya no Fûun)، ابرهای تیره جنگ بر فراز آسیای میانه، نشر مگورو - شوتن (Meguro-shoten)، ۱۹۴۱، ص ۱۵۴-۱۳۶) به دست داده است، که کوتاه شده آن در زیر می‌آید:

«نوئی‌دا ئی‌شیرو ژنرال کنسول، و پنج نفر دیگر، آقایان کانه‌هارا نو‌بویاسو (Kanehara Nobuyasu) مهندس وزارت کشاورزی و بازرگانی، نایتو چیشو (Naitô Chishû) عضو وزارتخانه، باندو ماسائو (Bandô Masao) پزشک، و سه‌کی اومه‌کیچی (Seki Umekichi) و تسوکاموتو گورو (Tsukamoto Gorô)

اعضای وزارت خارجه ژاپن، یک روز پیش از زلزله بزرگ ناحیه کانتو (توکیو و یوکوهاما و پیرامون این شهرها) که در روز یکم سپتامبر سال ۱۹۲۳ روی داد از توکیو روانه شدند، و روز ۲ ماه سپتامبر در بندر کوبه به کشتی فُوشیمی - مارُو (Fushimi Maru) نشستند، و از راه مدرس در روز ۳۰ سپتامبر به بمبئی رسیدند. در اینجا وسایل سفر در ایران را تهیه کردند و پس از مدتی انتظار برای رسیدن و پیوستن مهندس کانه‌هارا به گروه، سرانجام در روز ۲۵ اکتبر سوار کشتی بخاری شرکت کشتیرانی هند بریتانیا (British India Steam Navigation Co.) و روانه خلیج فارس شدند. آنها سر راه خود در بندرهای کراچی، پشاور، مسقط و بندرعباس و بوشهر پیاده و با وضع این بندرها آشنا شدند و سرانجام به بصره رسیدند و از اینجا از راه بغداد (و خانقین و کرمانشاه و همدان) به تهران رفتند.

«در مدت سه ماهی که آنها در تهران بودند [احمد] شاه در ایران نبود، و آنها از [محمدحسن میرزا] نایب‌السلطنه دیدن کردند، و چند بار با رضاخان که در آن هنگام رئیس الوزرا بود ملاقات و گفت‌وگو داشتند، و در روز ۱۵ مارس سال ۱۹۲۴ روانه سفر بازگشتن شدند. نخست از تهران به قزوین و رشت و انزلی رفتند و کناره دریای خزر را دیدند، و به قزوین بازگشتند و [از همان راه که آمده بودند] به بغداد رفتند. از اینجا صحرای شام را تا بیروت با اتومبیل پیمودند، و با کشتی به آتن و سپس به استانبول رفتند و آنگاه از مسیر آتن و اسکندریه و سوئز روانه شدند و روز دهم ماه ژوئن سال ۱۹۲۴ به میهن بازگشتند.»

منابع معاصر ایرانی شمار اعضای هیأت نئوی‌دا را بتفاوت شش تا دوازده تن نوشته‌اند. عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور، در روزنامه خاطراتش (منتشر شده به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۹) در یادداشتهای روز ۱۳ آذر ۱۳۰۲ نوشته است: «هفت نفر ژاپنی طهران آمده تحقیقاتی می‌کنند. جراید دستور می‌دهد که اتحاد با ژاپن شود فواید کلی دارد، که ندارد و دروغ

است، مثل معاهده با چین؛» (ص ۶۶۶۵) و در یادداشت ۱۳ اسفند گفته است: «دوازده نفر ژاپونی که از ادارات ژاپن طهران آمده بودند پس از کسب اطلاعات و سنجیدن اخلاق و فضایل ایرانی‌ها به سمت ژاپن حرکت کردند.» (ص ۶۷۷۷) در یادداشتهای باقر کاظمی از سفر این هیأت شش نفره به ریاست نُئوی دا «قنسول ژاپن در کلکته» و «برای مطالعه اوضاع ایران» و پذیرائی وزارت امور خارجه از آنها و دیدارشان با رئیس‌الوزراء و ولیعهد یادشده است (یادداشتهایی از زندگانی باقر کاظمی، به کوشش داوود کاظمی و منصوره اتحادیه، تهران ۹۳-۱۳۹۰، ص ۲: ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۵۹-۲۶۰ و ۲۷۶).

موضوعی توجه برانگیز این است که نُئوی دا در ایران فردی نظامی یا ژنرال ژاپنی شناخته شده بود. سفر این گروه همزمان بود با ریاست وزرائی رضاخان، و نُئوی دا چند بار به دیدن این نخست‌وزیر مقتدر ایران که حدود یک سال پس از آن سطنت یافت رفت. در خاطرات سلیمان بهبودی می‌خوانیم: «۲۹ دی ۱۳۰۲: وزیر خارجه برای رئیس نمایندگان ژاپن وقت می‌خواست. قرار شد همان چهارشنبه که خارجی‌ها شرفیاب می‌شوند، ایشان هم شرفیاب شوند.» (رضاشاه: خاطرات سلیمان بهبودی و دیگران، طرح نو، تهران، ۱۳۷۲) هم او در یادداشت روز ۲۵ اسفند ۱۳۰۲ نوشته است: «دبیراعظم خواست به عرض برسانم که ژنرال ژاپنی که فردا می‌خواهد حرکت کند یک قطعه عکس از حضرت اشرف خواسته است. فرمودند: اگر دبیراعظم دارد بیاورد که من امضاء کنم، و اگر ندارد چنانچه عبدالرضاخان داشته باشد به او بگوئید بیاورد امضاء کنم.»

به‌احتمال، نُئوی دا به‌اعتبار سِمَت «ژنرال کنسول» یا سرکنسول که در کلکته داشت خود را «ژنرال» معرفی کرده یا به این عنوان شناخته شده بود. ایواتارو و اُچی‌یاما، مأمور وزارت خارجه ژاپن که از مهر ماه ۱۳۰۵ (اکتبر ۱۹۲۶) برای یک سال در ایران گذراند، در یادداشتهای این مأموریت خود نوشته است: «در سال ۱۲ تایشو (۱۹۲۳ م.)، دو سالی پیش‌تر، نُئوی دا

دیپلمات ژاپنی که مقام دبیری داشت، همراه یک پزشک و هفت مرد کارآمد همچون گروهی اکتشافی که به سرزمینی ناشناخته می‌رود، تپانچه به کمر و پوتین نظامی به پا به ایران سفر کرده بود.» (همین کتاب، ص ۸۱)

نظامی‌وار نمودن مأمور دیپلماتیک بی‌سابقه هم نبود. ناگائوکا موری‌یوشی در تقریظ خود بر سفرنامه ایران اینووه ماساجی نوشته است که او «دلیرانه شمشیر و کتابهایش را برداشت و به گوشه و کنار اروپا و آسیا سفر کرد.» (سفرنامه ایران ماساجی اینووه، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئە‌و‌را، طهوری، ۱۳۹۰، ص ۸)

نئوئی‌دا در سال ۱۸۸۶ در ایالت توچیگی به دنیا آمد، و از دانش‌آموختگان نخستین دوره دبیرستان سانو در زادگاه خود بود. رشته حقوق دانشگاه واسیدا را در سال ۱۹۱۰ به پایان رساند، و سال پس از آن در آزمون ورودی رشته دیپلماتیک وزارت خارجه توفیق یافت. دوره کارآموزی خود را در سن پترزبورگ گذراند، و پس از آن بترتیب در پکن، واشینگتن و بمبئی مأموریت داشت، و آنگاه به ریاست گروه بررسی وضع ایران به کشور ما آمد. نئوئی‌دا پس از آن در مانیل و برزیل مأموریت یافت، و آخرین سمت دیپلماتیک او سرکنسول ژاپن در مانیل بود و در سال ۱۹۲۸ بازنشسته شد. دو کتاب زیر از آثار منتشر شده او فهرست شده است (بترتیب، با عنوان ایران و بین‌النهرین و از ایران تا ترکیه):

Perushia Mesopotamia hōmen Shisutsu-dan, Tokyo, Kei-mei Kāi Jimoshu, 1924.

Perushia yori Toruko made (co-author), Tokyo, Bunmei Kyōkai, 1926.

نئوئی‌دا نوشته است که یک روز پیش از زلزله بزرگ کانتو (که در نیمروز یکم سپتامبر سال ۱۹۲۳ توکیو و جنوب غرب ژاپن را زیر و زو کرد و سپس در کام‌آتش کشید) از توکیو روانه شد، و از هند با کشتی شرکت انگلیسی به خلیج فارس رسید، و روز ۱۱ نوامبر در بندر بصره پیاده شد. از اینجا به بغداد رفت و پس از دو هفته ماندن در پایتخت عراق تحت‌الحمایه انگلیس در آن

سالها و تدارک چیزهای لازم، با قطار به خانقین رفت، و از اینجا در سفری دشوار از راه زمین روانه تهران شد و روز ۴ دسامبر به پایتخت ایران رسید (بخش های ۳ تا ۸ یادداشتهای او).

نُئی‌دا و همراهان او حدود یکصد روز در تهران ماندند، و بررسی‌های گوناگون کردند. او شناختن فکر و احساس ایرانی‌ها نسبت به ژاپن و ژاپنیان را مهم‌ترین هدف مأموریت خود یاد کرده و گفته است که برای یافتن حقیقتِ حال، سوای مقامها و مأموران کشوری و لشکری، با قشرهای گوناگون مردم از روزنامه‌نویس و نماینده مجلس و دیگران پرس‌وجو کرده، و همه گفته‌اند که می‌خواهند هرچه زودتر مناسبات دوستی (رسمی) با ژاپن برقرار شود. برای نمونه، از مردی فرهنگی و اهل تحقیق یاد کرده که شیفته ژاپن بود و تصویر امپراتور و سرداران ژاپنی نامور شده در جنگ با روس را به دیوارهای خانه‌اش زده بود، و می‌گفت که پیروزی ژاپن بر روس پیروزی ایران هم بوده است (بخش‌های ۱۰ تا ۱۴).

با اینهمه، نُئی‌دا افزوده که پای فشردن ژاپن برای گنجاندن امتیاز برون مرزی برای اتباع این دولت (همان حق قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون) مانع انعقاد پیمان بازرگانی است، و گفت‌وگوها به مرحله امضای توافقنامه که می‌رسد متوقف می‌شود (بخش ۱۴).

دیدار نُئی‌دا و همراهان او از ایران همزمان بود با برخاستن زمزمه و نمایش جمهوری‌خواهی پس از قدرت گرفتن سردار سپه. اما نُئی‌دا نوشته است که روحانیان ایران نسبت به این قضیه خوشبین نیستند. او شرحی در باره شرکت نفت انگلیس و ایران، اقلیم و جغرافیا و اقوام ایران، جمعیت تهران، ضعف حکومت قاجار و احمدشاه، و قدرت یافتن سردار سپه، که چهار - پنج بار با او دیدار داشته، آورده، و استبداد حکومت او را در آینده پیش‌بینی کرده است (بخش‌های ۱۶ تا ۱۸). بخش‌های ۱۹ و ۲۰ یادداشتهای او، گزارش آمار بازرگانی میان ایران و ژاپن و نیز فعالیت تجار آلمانی در ایران است.

نئوی دا پس از پایان مأموریتش در ایران، از تهران روانه بازگشتن شد و از راه رشت به انزلی رفت تا از طریق باکو به روسیه سفر کند و از آنجا در دنباله مأموریت خود به استانبول برود. اما چون نتوانست اجازه سفر در روسیه بگیرد، ناچار به تهران بازگشت و از همان مسیر آمدنش (تهران - همدان - کرمانشاه) به بغداد بازگشت. در بغداد او و همراهانش دو دسته شدند، و به مصر و استانبول و جاهای دیگر رفتند، و سپس به ژاپن بازگشتند. شرحی که در زیر می‌آید از متن سخنرانی گزارش‌مانند نئوی دا در انجمن کی‌می (چکیده دوازدهمین سخنرانی علمی در این انجمن) که در سال ۱۹۲۵ انتشار یافت، و مقاله نئوی دا زیر عنوان اوضاع ایران و عراق در ۲۰ فصل که در پنج شماره همان سال مجله چینگاگو زاشی (آموزش جغرافیا) درج شد، برگرفته شده است. متن چاپ شده سخنرانی فصل‌بندی ندارد، و مقاله درج شده در مجله آموزش جغرافیا در ۲۶ فصل مرتب شده است. در ترجمه فارسی که تلفیقی از این دو متن است این فصل‌بندی نگه داشته شد. یادداشتهای دو متن اصلی در میان دو ابرو آمد، و توضیح‌های افزوده شده در ترجمه فارسی در زیر صفحه آورده شد. در ذکر نامهای کسان، برابر مرسوم در ژاپن نخست نام خانواده و سپس نام کوچک آمده است.

خوشامد گویی هیرایاما، رئیس هیأت مدیره انجمن

اجازه بدهید که در سیمت رئیس هیأت مدیره انجمن کی‌می مطلب کوتاهی عرض کنم. امروز، در میانه فصل گرمای شدید، جلسه سخنرانی برگزار می‌کنیم؛ و با این حال می‌بینیم که جمعیت زیادی برای شنیدن این سخنرانی آمده‌اند. این مایه خوشحالی ما است.

چندی پیش آقای نئوی دا عضو محترم وزارت خارجه کشورمان در بسیاری جاهای ایران سفر کرد، و چیزهایی شگفتی‌انگیز دید یا شنید. پس انجمن ما بر آن شد که از ایشان درخواست کند که در باره این سفر و دیدارشان برای اعضای این انجمن سخن بگویند. با توجه به گرمای

شدید در این فصل، اول فکر کردیم که این جلسه را چندی بعد که از گرمای هوا کاسته شد برگزار کنیم؛ اما به ملاحظه کار و برنامه‌هایی که آقای نُئی‌دا، سخنران محترم، در پیش دارند جلسه را امروز تشکیل می‌دهیم.

چون ایران از روزگار باستان کشوری تأثیرگذار برای ژاپن بوده، انجمن کی‌می برنامه‌ای داشته است که در باره مطالب و آثار باستانی هم بررسی کند؛ و از این رُو مواد و منابع گوناگون برای این بررسی را فراهم می‌کنیم.

آقای نُئی‌دا وضع کنونی ایران را دیدند و بازآمدند، و فکر کردم که شنیدن سخنانشان از جهات گوناگون برایمان سودمند باشد. پس، از ایشان درخواستم که شرح و گزارش سفرشان را برایمان بازگویند. سراپا گوش می‌شویم با ذهن بیدار سخنانشان را می‌شنویم.

شرح سفر نُوئی‌دا

چندی پیش مأموریت یافتم که به ایران سفر کنم؛ و پارسال، درست روز پیش از زلزلهٔ بزرگ کانتو^۱ از توکیو روانه شدم و به ایران رفتم.

بتازگی برنامهٔ سفر و دیدارم را که نه ماه و نیم طول کشید به انجام رساندم و به ژاپن بازگشتم.

برایم مایهٔ مباهات است که برای شنوندگان بسیار که به لطف انجمن کی‌می در این جا گرد آمده‌اند در بارهٔ سفرم سخن بگویم.

جاهایی که از آن دیدن کردم ایران و بین‌النهرین و مملکت ترکیهٔ عثمانی بود، که این یک بخشی از آسیای صغیر است. چون هدف اصلی و عمدهٔ سفرم دیدن ایران بود، طبیعی است که شرح سفر و دیدارم را از هنگامی که وارد ایران شدم آغاز کنم. پس، از آنچه که در آن جا دیدم و شنیدم و به نظرم

۱. زلزله‌ای که در نیمروز یکم سپتامبر سال ۱۹۲۳ در محور توکیو - یوکوهاما روی داد از سخت‌ترین زمین لرزه‌های تاریخ ژاپن است. در این روز گرم پایان تابستان، در پی زلزله و بر اثر توفانهای موسمی تندبادی وزید که ویرانگری این فاجعه را هرچه بیش‌تر کرد؛ و آنچه که از قهر زمین بر جا مانده بود، در کام آتشی که از هر سو برخاست و زبانه کشید نابود شد. بیش از نیمی از توکیو که در آن سالها سومین شهر بزرگ جهان بود تل خاکستری شد، و در یوکوهاما همهٔ شهر - از ساختمانهای بزرگ و تازه گرفته تا خانه‌های کوچک چوبی کهنه - فروریخت. این زلزله شورش و نابسامانی اجتماعی اندوهباری نیز در پی داشت.

در خورِ توجه خاص است می‌گویم.

در باره ایران، چنان که هم اکنون رئیس هیأت مدیره انجمن میزبان این مجلس یادآور شدند، این انجمن سرمایه معتنابهی صرف جمع آوردن آثار [باستانی و تاریخی] کرده است، و بخصوص در باره احوال فرهنگ قدیم آن از دیدگاه تاریخی و بطور روشن تحقیق می‌کنند. پس فکر می‌کنم که در باره جامعه و مردم و فرهنگ ایران باستان هم اکنون مطالعاتی صورت گرفته و منابع و آثار و بقایا و قراین [تاریخی و علمی] هم به اندازه کافی گردآورده شده است. پس، امروز در سخنانم به این زمینه نمی‌پردازم و گفتارم را به شرح و وصف سرزمین و مردمی که با همراهانم به آنجا رفتم و آنها را دیدم متمرکز می‌کنم، و در باره احوال ایران امروز سخن می‌گویم. امیدوارم که با این ترتیب و گزینش موضوعی موافق باشید.

۱. پیشینه روابط با ایران

چنان که می‌دانید ایران کشور بزرگی در غرب آسیا است؛ و چون مملکتی آسیایی است باید با ما روابط دوستانه داشته باشد، چنان که با چین و هندوستان و افغانستان کشورهای همسایه خود که نزدیکی جغرافیایی هم میان آنها هست. اما افسوس که ژاپن و ایران هنوز با یکدیگر پیمان (مودت یا بازرگانی) نبسته‌اند، و هنوز دو کشور «هم پیمان» نیستند. اما تماسهایی میانشان بوده است: اسناد نشان می‌دهد که پادشاه وقت ایران [ناصرالدین شاه] در سال دوازدهم دوره پادشاهی میجی (۱۸۷۹ میلادی) سفری به ممالک اروپا رفت، و در راه بازگشتش از اروپا از روسیه [و سن پترزبورگ پایتخت آن] دیدن کرد. در این وقت دیپلماتهای مقیم پایتخت روسیه، از آن میان انوموتو بویو^۱ وزیرمختار و نیشی توکوجیرو دبیر اول سفارت ژاپن در سن پترزبورگ، فرصت باریافتن به حضور شاه ایران را داشتند. [ناصرالدین] شاه در این دیدار

۱. نام کوچک انوموتو، تاکه‌آکی هم خوانده می‌شود.

[به انوموتو] گفت که مشتاق است که هرچه زودتر مناسبات رسمی دوستانه میان ژاپن و ایران برقرار شود و این دو کشور با یکدیگر پیمان [مودت و همکاری] داشته باشند. انوموتو گزارش این دیدار را برای دولت ژاپن فرستاد، و پیشنهاد کرد که بجا و مناسب خواهد بود که با توجه به ابراز تمایل شاه ایران نخست گروهی بازرگان به ایران فرستاده شوند تا کالا و ساخته‌های ژاپن را در ایران عرضه و معرفی کنند. آقای اینووه کائورو وزیر خارجه وقت ژاپن این پیشنهاد را پذیرفت و قرار شد که یک گروه چهار نفری از بازرگانان ژاپن به سرپرستی آقای یوشیدا ماساهارو از مدیران وزارت خارجه و همراه یک عضو لشکری، بر روی هم شش نفر، به ایران فرستاده شوند.

این گروه مأموریت داشت که [نمونه‌هایی از] کالای ژاپن را به ایران ببرد و معرفی کند. گویا در ایران این امتعه مورد پسند واقع شد و همه آن به فروش رفت، و بازرگانان عضو این هیأت با احساس توفیق در کار خود به ژاپن برگشتند. تاریخ دیدار این هیأت سفارت از ایران سال ۱۳ دوره پادشاهی میجی (برابر ۱۸۸۰ میلادی) بود.

گمان می‌رفت که در پی این بررسی و تجربه موفق، و با انجام تشریفات بایسته، پیمانی میان ایران و ژاپن بسته شود و مناسبات این دو کشور صورت رسمی پیدا کند؛ اما تا این تاریخ چنین پیمانی امضاء نشده است، هرچند که پس از جنگ بزرگ در اروپا (جنگ جهانی اول، سالهای ۱۹۱۸-۱۹۱۴) دیپلماتهای ایران و ژاپن در کشور ثالثی با یکدیگر مذاکره و مکاتبه و برای توافق در مفاد و محتوای پیمانی که میان دو کشور امضاء شود رایزنی کرده‌اند.

در ماههایی که جنگ روس و ژاپن در جریان بود (بهار سال ۱۹۰۴ تا تابستان ۱۹۰۵) [نماینده] دیپلماتیک ایران در لاهه به مرحوم میتسوهاشی که در سمت وزیرمختار ژاپن به هلند رفته بود پیشنهاد مذاکره برای انعقاد پیمان کرد، و گفت‌وگوهای آنها به این منظور به صورت صریح و روشن پیش‌رفت [و سند قرارداد آماده شد]، اما کار که به مرحله امضاء رسید به دشواری برخورد.

پس از آن هم میان نمایندگان دیپلماتیک ایران و ژاپن مقیم چند کشور دیگر [اروپا] مذاکراتی برای عقد پیمان صورت گرفت، اما هیچ کدام به نتیجه نرسید. [آخرین بار] دو سال پیش از این، گفت‌وگوها و مکاتبه‌هایی میان آقای اوچیای سفیر ژاپن در رُم و وزیرمختار ایران در اینجا به نام اسحاق‌خان انجام شد، و این بار طرح و پیش‌نویس پیمان تقریباً آماده شد، اما کار که به مرحله امضاء آن رسید به علت وضعیت ایران متوقف ماند، و هنوز هم این پیمان به امضا و تصویب نرسیده است.

این ناکامی در حصول توافق برای هر دو کشور جای دریغ است. اما علت این که چرا گفت‌وگوها و رایزنی‌ها به نتیجه نرسید و پس از تهیه متن موافقتنامه هم نتوانستند آن را امضاء و تصویب کنند، موانع چندگانه بود. اگر وضع و کیفیت کار ایران روشن و معلوم بود، کار بآسانی پیش می‌رفت؛ اما چون این احوال دانسته نیست جریان به درازا کشیده است.

۲. هدف ما از سفر به ایران

جدا از موضوع تنظیم متن پیمان و تشریفات عقد آن، بایسته بود که جایگاه ایران از جنبه‌های دیگری جز احوال سیاسی - مانند وضع صنعت و اقتصاد و اجتماع و دیگر زمینه‌ها - نیز بررسی شود. اما تحقیق در این احوال و کیفیات از بیرون ایران بسیار دشوار است. احوال و اخبار ایران از طریق مطبوعات و گزارش‌های خبری در همه جای دنیا تا اندازه‌ای معلوم می‌شود؛ اما تا به ایران نرفته و همه چیز را از نزدیک ندیده باشیم نمی‌توان حقیقت اوضاع این کشور را دریافت.

پس، در این دو - سه ساله گذشته در دستگاه دولت ژاپن این موضوع مطرح بود که در هر حال بایسته است که فرستاده‌ای به ایران برود. این طرح و تدبیر در وزارت خارجه سرانجام پذیرفته، و قرار شد که این مأموریت به عهده من نهاده شود. وزارت تجارت و فلاحه هم نمایندگانی همراه کرد، و

نیز یک کارمند موقت وزارت خارجه و یک پزشک به این گروه پیوستند، و هیأتی شش نفره تشکیل شد. این گروه روز سی و یک ماه اوت سال گذشته، درست روز پیش از وقوع زلزله بزرگ کانتو، از توکیو عزیمت کرد.

۳. از ژاپن به بین‌النهرین

در این مرحله مسأله این بود که از چه راه و کدام مسیر باید به ایران رفت و به آنجا رسید. همه متوجه بودند که باید از راه خلیج فارس برویم تا از مرز ناحیه جنوب غرب^۱ ایران وارد این کشور شویم. در این مسیر، که باید خلیج فارس را [از شرق به غرب] طی کرد، می‌توان ناحیه بین‌النهرین را هم که کنار ایران واقع است دید و وضع اینجا را هم مطالعه کرد. پس تصمیم بر این شد که با پیمودن مسیر سراسری خلیج فارس وارد ایران شویم.^۲

از ژاپن [با شماری از همراهان] روانه شدم و به بمبئی در هندوستان رسیدیم؛ و در اینجا همه اعضای هیأت به هم پیوستند. پس از چهار هفته توقف در بمبئی که همه کارهامان برای سفر به ایران آماده شد، روانه شدیم تا از راه خلیج فارس به ایران برویم.

از بمبئی به خلیج فارس از راه دریا باید رفت. مسافران این مسیر معمولاً با سفاین شرکت کشتیرانی بخاری هند بریتانیا^۳ که انحصار کشتیرانی در این مسیر را دارد سفر می‌کنند. سفاین این شرکت دو نوع است: یکی کشتی‌های سریع‌السير [که در بندرهای میان راه توقف نمی‌کند] و با آن می‌توان در مدت یک هفته به مقصد رسید؛ و دیگر کشتی‌های پُستی‌گُندرو که به همه بندرهای خلیج فارس یا کناره عربستان سر می‌زند، و دو هفته می‌کشد تا به مقصد

۱. اصل: شرق.

۲. این بحث و کنکاش بیشتر برای آن بوده است که نخستین مسافران ژاپنی در عصر جدید از راه بوشهر در شرق خلیج فارس، و از آغاز سده بیستم تا این هنگام بیش‌تر از مسیر دریای خزر و از راه بندرهای جنوبی این دریا (انزلی و مشهدسر)، به خاک ایران گام نهاده بودند.

3. British-India Steam Navigation Company

برسد. چون ما می‌خواستیم که از بندرهای سرِ راه دیدن کنیم، ناچار به این نوع کشتی نشستیم. در این هنگام که ماه دهم سال میلادی (اکتبر) بود، به بندرهای باس (باسعیدو)، لنگه، و جزیرهٔ هنگام در خلیج فارس، و بندر مسقط در کشور عُمان در ساحل مقابل بندرهای یاد شده که در کنارهٔ شبه جزیرهٔ عربستان و امیرنشین است، سر زدیم و در هر کدام از این بندرها پیاده شدیم و گشتیم و تا حدِّ ممکن با احوال این امیرنشین‌ها و مردمش آشنا شدیم. در این کناره‌ها درخت و روئیدنی نیست، و پهنهٔ خاک برهنه و ملال‌آور است.

از این نواحی گذشتیم و به بندر بوشهر رسیدیم. از اینجا هم، که مانند بندرعباس، از بندرهای مشهور خلیج فارس است، دیدن کردیم و به سرِ شمالی خلیج فارس رسیدیم که در اینجا دو رود بزرگ فُرات و دجله به هم می‌رسند و شط‌العرب را تشکیل می‌دهند که به خلیج فارس می‌ریزد. در محلی که این دو رود به هم می‌رسند و در یک بستر به مسافتی کوتاه تا خلیج فارس جریان پیدا می‌کنند و به دریا می‌ریزند، بندر بصره افتاده است. کشتی ما تا اینجا در اروندرود پیش رفت. از دهانه و مصبِ این رود که ۶۰ میل انگلیسی سوی بالا برویم، به بصره می‌رسیم. در فاصلهٔ کمی از بصره (و در ساحل مقابل آن) آبادان واقع شده، و کنار این بندر شهر محمّره (خرمشهر) افتاده است.

۴. آبادان و تأسیسات نفتی آن

آنچه که در اینجا دیدنی است کار (و تأسیسات) شرکت نفت انگلیس و ایران^۱ است که بهره‌برداری از میدانهای نفت خیز این ناحیه را در انحصار خود دارد. شرکت نفت انگلیس و ایران در آبادان تصفیه‌خانهٔ نفت دارد. کشتی‌مان از نزدیک پالایشگاه آبادان گذشت. سفاین نیروی دریایی ژاپن هم پیش‌تر و برای سوختگیری به این حوالی آمده بودند.^۲ از اینجا که حدود ۱۵۰ میل در

۱. Anglo-Persian Oil Company

۲. از آن میان، کشتی هیبی که در سال ۱۸۸۰م. اعضای نخستین هیأت سفارت ژاپن را به ساحل ایران در خلیج فارس رساند.

خاک ایران پیش برویم، به محل استخراج نفت می‌رسیم که میدان نفتون نام دارد. نفت استخراج شده از چاههای اینجا را با خط لوله آهنی به آبادان می‌فرستند و در پالایشگاه اینجا تصفیه می‌کنند. نفت ارزان‌ترین محصول داخلی ایران است. این ماده قیمتی در خاک ایران به دست می‌آید، و مقدار نفت تولید شده در اینجا به حدود ۳ میلیون تن در سال می‌رسد؛ اما چون ایران امتیاز استخراج و بهره‌برداری از آن را به شرکت نفت انگلیس و ایران داده است فقط درآمد مختصری از آن (به عنوان حق الامتیار) نصیبش می‌شود.

* * *

در اینجا شرح کوتاهی (از تاریخچه و فعالیت) شرکت نفت انگلیس و ایران می‌گویم. نخست مهندسی استرالیائی به نام ویلیام ناکس داریسی^۱ در این ناحیه به اکتشاف نفت پرداخت؛ و چون دید که ذخایر اینجا آینده‌ای امیدبخش دارد و کیفیت نفت آن هم ممتاز است، از دولت ایران امتیاز استخراج و بهره‌برداری از آن را گرفت. تاریخ اعطای این امتیاز سال ۱۹۰۱ بود، که حدود ۲۳ سال پیش می‌شود. اینجا هم جزء منطقه قرارداد و موضوع آن امتیازنامه است. منطقه این امتیاز پهناور است و ۲۰,۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد، و نزدیک به همه میدانهای نفتی ایران را در برمی‌گیرد. امتیاز این بهره‌برداری برای ۶۰ سال داده شده، و در برابر آن شرکت نفت انگلیس و ایران بر عهده گرفته است که ۱۶ درصد درآمد خالص خود را به دولت ایران بدهد. داریسی برای بهره‌برداری از این امتیاز نهایت تلاش خود را کرد. کیفیت این نفت بسیار مرغوب درآمد، و کار استخراج و پالایش آن فراتر از توان و امکان یک فرد بود. پس، بایسته نمود که به سرمایه افزوده و کار به شرکتی سپرده شود. شرکت نفت برمه و شرکتهای دیگر (همه انگلیسی) سرمایه گذاشتند و شرکت نفت انگلیس و ایران^۲ را بنیاد کردند.

در این تاریخ که سال ۴۲ پادشاهی میجی (۱۹۰۹ میلادی) بود شرکت

1. William Knox D'Arcy (۱۸۴۹-۱۹۱۷)

2. Anglo-Persian Oil Company

نفت انگلیس و ایران امتیازی را که دارسی از دولت ایران گرفته بود به خود انتقال داد، و امروزه بر اساس این ترتیب به کار استخراج نفت و بهره‌برداری از میدانهای نفتی سرعت می‌بخشد. کار به شرکت سپرده شده و سرمایه‌گذاری برای عملیات افزایش یافته و فعالیت‌های گوناگون آغاز شده است، و این فعالیت‌ها را نویدبخش دیده‌اند. از یک سو دولت انگلیس در اجرای سیاست تأمین مواد سوختی خود به نفت نیاز داشت؛ و بخصوص چرچیل^۱ پیش از جنگ جهانی اول اعلام کرد که از این پس اگر سوخت کشتی‌ها [به جای زغال سنگ] به نفت متکی نباشد، نمی‌توان سوخت کافی به سفاین نیروی دریایی بریتانیا رساند؛ و این سیاست را دنبال کرد، و میدانهای نفت خیز و تسلط بر آنها مورد توجه واقع شد.

میدان نفت خیز اینجا متعلق به قدرتمندترین شرکت نفتی یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران بود؛ اما دولت بریتانیا این را کافی نمی‌دید، و با این که بیش‌تر سهام این شرکت را در اختیار گرفته بود، در اجرای سیاست تأمین سوخت خود پیمانی هم منعقد کرد که برابر آن می‌توانست در وضع اضطراری میدانهای نفت خیز ایران را به خود انتقال بدهد. با اجرای این پیمان، در برابر بهایی که با محاسبه خاص معین می‌شود، سوخت سفاین نیروی دریایی انگلیس تأمین خواهد شد. چون این پیمان بکلی سرری است، مقامهای دولت انگلیس حتی از توضیح دادن در باره آن به مجلس این کشور خودداری می‌کنند؛ پس اطلاع بیش‌تری از آن در دست نداریم.

هر کس از «شرکت نفت انگلیس و ایران» سخن می‌گوید؛ اما می‌توان گفت که این «دولت انگلیس» است که در این ناحیه حق و امتیاز عمده دارد. امسال (۱۹۲۴) از این میدانها به ارزش سه میلیون لیره نفت تولید می‌شود، که ۱۶ درصد آن باید سود یا درآمد ایران باشد، و این حق امتیاز نباید بنا به اوضاع [جانبی] تفاوت پیدا کند؛ اما شرکت نفت بهره‌ای معادل ۵۶ میلیون ین به ایران می‌دهد.

1. Winston Churchill

۵. بصره و بغداد

پس از دیدن شهرهایی مانند آبادان و محمّره (خرمشهر)، در مسیر این رودخانه رانیدیم، و کشتی ما به بندر بصره رسید. قرار بود که این بندر یک سر مسیر خط آهن «بغداد» باشد که طرح احداث آن از اشکودار [اسکوداری] در آنسوی کناره تنگه بفسر و مقابل شهر استانبول تا اینجا آماده شده بود. اما امتداد خط آهن از استانبول تا بصره به انجام نرسید. پس از آن که این طرح علنی شد و در پی شکست امپراتوری عثمانی و تجزیه آن و تحت‌الحمایه شدن بین‌النهرین، انگلیس به اینجا آمد و طرح خط آهن «بغداد» که قرار بود به وسیله آلمان، متحد ترکیه عثمانی، کشیده شود متفی شد. هنگامی که جنگ در اروپا آغاز شد، انگلیسی‌ها از بصره تا بغداد و تقریباً سراسر بین‌النهرین را اشغال کردند.

هنگامی که بصره جزئی از خاک ترکیه عثمانی شمرده می‌شد کار آبادانی در آن نشده و آبادی کوچکی بود. اما در این سال که ما به بصره رسیدیم اینجا آبادانی و رونقی پیدا کرده بود، و اکنون این بندر تسهیلات خوبی دارد و کشتی که در بصره به ساحل می‌رسد، بار را بی معطلی از کشتی به قطار راه آهن جا به جا می‌کند. این تسهیلات و تأسیسات پس از درآمدن این ناحیه زیر اداره انگلیس ایجاد شده است. در این نقطه سفر دریایی مسیر آمدنمان پایان گرفت، و از اینجا سفر زمینی‌مان به سوی مقصد آغاز شد.

روز ۱۱ ماه نوامبر به بصره رسیدیم. سحرگاه و شب‌هنگام هوا سرد بود (نه خُنک)؛ اما میان روز گرم می‌شد. اینجا زمستانی سرد و تابستانی بسیار گرم دارد. همه خانه‌ها مکعبی و مانند قوطی کبریت بود [و بام مسطح داشت]. تابستان‌ها که هوا گرم است مردم شب‌ها روی بام می‌خوابند. به اینجا که رسیدیم هوا خوب بود؛ پس ناراحتی عمده‌ای نداشتیم. اینجا ناحیه [تاریخی] مهمی است. مدت ۴۵ روز در این ناحیه ماندیم، و آنگاه با ترن روانه پائین رود شدیم.

این سرزمین را در اصل «مِسوپوتامیا»^۱ می‌خوانند، و خاستگاه تمدن بشری بوده است^۲؛ چنان که نواحی نزدیک فُرات و دجله، که اینجا کشاورزی رونق داشته، اما بر اثر سیل یا موجبات دیگر این پهنه بیابان و کویر و بایر و بی‌حاصل شده است. بتازگی شبکه آبیاری را در حوضه این رودخانه سرعت گسترش می‌دهند، و این اراضی رو به آبادانی دارد.

۶. بین‌النهرین زیر قیمومت انگلیس

بین‌النهرین اکنون مملکت پادشاهی عراق شده، و پادشاه به نام مَلِک فیصل [اوّل] برنشته است. ترکیب حکومتی آن چنین است که دولت انگلیس در اینجا کمیسیونر یا نماینده عالی دارد تا وظایف قیمومت را انجام بدهد. انگلستان پس از جنگ [جهانی اوّل] اینجا را موقتاً اشغال کرد. اما ماندن و نگهداشتن نیروی نظامی در اینجا برای بریتانیا گران تمام می‌شود و مقرون به صرفه نیست؛ پس بتدریج از شمار لشکریانش در اینجا کاست. پس از قرارداد متارکه جنگ معروف به پیمان متارکه مودروس^۳، اینجا تحت‌الحمایه بریتانیا شد؛ و انگلستان بافت سیاسی و اداری آن را بازسازی کرد. با این اسباب چینی و پس از مراجعه به افکار عمومی حکومت پادشاهی برقرار شد؛ و در ماه اکتبر سال ۱۹۲۲ طرح پیمانی میان این پادشاهی و حکومت بریتانیا آماده شد که هنوز تصویب نشده است. از این‌رو

1. Mesopotamia

۲. قسمت جنوبی بین‌النهرین، تا آنجا که اطلاع داریم، مهد تمدن بشر بوده و از این جهت کمی بر مصر پیشی داشته است. در همین جاست که شهرهای اریدو، اور، لارسا، لاگاش، نیبور، اکد، و بابل پیدایش یافت. تمدن این ناحیه در هزاره چهارم ق.م. استقرار یافته بود. تا پیش از قرن هیجدهم ق.م. جز دوره‌های موقت، بین‌النهرین مرکب از کشور - شهرهای بسیار بود. بیشتر آنها در جنگهای حموربی از بین رفتند، و سرانجام دو دولت آشور (در بین‌النهرین علیا) و بابل (در بین‌النهرین سفلی) به وجود آمد که تمدن مشترکی داشتند. پس از تصرف به دست هخامنشیان (۵۳۹ ق.م.) بین‌النهرین به عنوان یک واحد سیاسی از بین رفت، ولی اهمیت فرهنگی و اقتصادی آن قریب ۱۸۰۰ سال دیگر باقی ماند.... (مصاحب، دایرةالمعارف فارسی، ذیل: بین‌النهرین).

3. Mudros